

خبرسازان

مجیدمجبیدی:

دغدغه‌ام حرکت سینمای ایران فراتر از جشنواره‌هاست

● تازه‌ترین اثر سینمایی مجید مجیدی «آسوی ابرها» شامگاه ۲۳ بهمن‌ماه در پردیس سینمایی «کورش» با حضور اهالی سینما برای نخستین‌بار به نمایش گذاشته شد. مجیدی درباره چرایی ساخته‌شدن این فیلم سینمایی گفت: «فیلم «آسوی ابرها» محصول سرمایه‌گذاری مشترک ایران و هند است. برخی از هند بودند و فیلم نیز در هند ساخته شد.» وی ادامه داد: «سینمای ایران در سال‌های گذشته نشان داده است که ظرفیت‌های بسیاری دارد و این ظرفیت‌ها این امکان را دارند که بتوانند جهانی‌تر شوند و حضور سینماگران ایرانی در کشورهای دیگر برای فیلم‌سازی می‌تواند باعث رونق اقتصادی سینمای ایران شود.» کارگردان فیلم «آسوی ابرها» ادامه داد: «امیدوارم این فیلم بتواند برای سینمای ایران ظرفیت‌سازی کند و قدمی باشد که بتوانیم اندیشه و نگاهمان را به آن‌سوی مرزها ببریم و زمینه ساخت، نمایش و اکران گسترده فیلم‌های ایرانی را از این طریق فراهم کنیم». وی ادامه داد: «یکی از دغدغه‌های اصلی من همیشه این بوده است که بتوانیم فیلم‌های سینمای ایران را اکران جهانی کنیم و فراتر از جشنواره‌ها حرکت کنیم، زیرا سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی توقیفات زیادی داشته و امروز فرصتی است که سینمای ایران از جشنواره‌های جهانی عبور و به سمت اکران جهانی حرکت کند تا آورده فرهنگی و اقتصادی خوبی داشته باشد.» «آسوی ابرها» از دوم اسفندماه در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود. فیلم «آنسوی ابرها» فیلمی است که تماماً در هند فیلم‌برداری شده و با زیرنویس فارسی در ایران اکران شده است. «آسوی ابرها» آخرین ساخته کارگردان فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» است که داستان آن در مناطق فقیرنشین بمبئی رقم می‌خورد. این فیلم مجیدی پاییز امسال نماینده سینمای ایران در بخش رقابتی جشنواره فیلم لندن بود و در جریان این رویداد سینمایی با حضور بازیگران اصلی و مجید مجیدی برای اولین‌بار به نمایش درآمد.

عرضه «تنگه ابوقریب» در برلین

● بهترین فیلم سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر در برلین به نمایش گذاشته می‌شود. به گزارش روابطعمومی سازمان اوج، فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» با نام بین‌المللی «the lost strait» به جشنواره تهیه‌کنندگی سعید ملکان و کارگردانی بهرام توکلی در اولین نمایش خارجی خود در روز جمعه، ۱۶ فوریه، برابر ۲۷ بهمن، ساعت ۱۸:۵۰ به وقت برلین در بازار فیلم جشنواره برلین به نمایش درمی‌آید.

تنگه

گزارشی از دیدگاه‌هایی درباره سیم و سُرْمه کنجکاوی، خطرپذیری، پرسشگری

● **رضا آشفته:** «سیم و سُرْمه» با نویسندگی، طراحی و کارگردانی روزه حسینی در تماشاخانه دا اجرا شد؛ اجرائی متفاوت که دو سویه نظر را به خود جلب کرده است و به عبارتی بهتر با رنگی زنگ یا رومی روم... به نظر منماینشی است که بیشتر در حوزه پرفورمنس قرار می‌گیرد، چون از درام برخوردار نیست و یک رابطه و کلی خاطره با نوای محزون و نغمه‌های اندوه در فضا پژواک می‌یابد. رویا نونهالی (بازیگر، نقاش و کارگردان): خودم را به این‌گونه دیدار، تشویق می‌کنم. تجربه‌گرایی بیش از اینکه شیوه و روش باشد، یک باور و روحیه متناسب با آن است. این منش، اسبابی لازم دارد مثل کنجکاوی، خطرپذیری، پرسشگری، خود را به روال معمول و مرسوم نسپردن، سهم بیشتر دادن به دریافت مخاطب، به فضا و تصویر و بیان از طریق میزانسن. احوال تجربه‌گر، درکل، توجه به راه‌زای موقعیت است و بعضی را چنان مشتاق می‌کند که اهل تجربه باقی می‌مانند. «روزبه حسینی» این‌طور کسی است، برایش آرزوی موفقیت و استمرار می‌کنم و امیدوارم کارهایش و به‌ویژه نمایش «سیم و سُرْمه» که در «تماشاخانه دا» روی صحنه است با بهترین استقبال روبه‌رو شود. من فرصت مواجهه با تلاش پیگیر را باارزش می‌دانم و خودم را به این‌گونه دیدار، تشویق می‌کنم.

مریم سرچه‌یما (نویسنده): وقتی از روایت حرف می‌زنیم از چه حرف نمی‌زنیم؟ پاسخ به همین سؤال هم محور درام «سیم و سُرْمه» و کارهای دیگری از این جنس نمی‌تواند باشد، چراکه آثاری مثل «سیم و سُرْمه» با این‌همه تکیه بر متن، به‌خصوص راهپیمایی راوی و همراه‌کردن مخاطب با خودش، آن هم نه در قصه و فضایی که پیش چشم او ترسیم می‌کند که در لابه‌لای سطرهای سبید و روح محضی که مدام از گذشته به حال پناه می‌آورد و در عبقرید دَوارش جویای دره‌هایش در پس همان دالان تاریکی می‌شود که از آنجا فرار کرده، بیش از آنکه روایتی دایره‌ای باشد، پیرنگ ذهنی مؤلفی است که ترس از زمان و زوال روی نقطه‌ای نگهش می‌دارد و گاه به پیش و گاه به پس می‌چرخد.

گروه هنر: با اینکه چندروزی است پرونده سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر بسته شده است و فیلم‌هایی که در این رویداد هنری شرکت کردند، از این پس وارد مراحل اکران می‌شوند و با فیلم‌سازی که در جشنواره حضور داشتند در این عرصه رقابت بسیاری بر سر چگونگی برگزاری جشنواره، نگاه هیئت انتخاب و داوری و موضوعات دیگر همچنان داغ است. مجیدرضا مصطفوی، کارگردان فیلم سینمایی «آستیکمات»، از جمله فیلم‌سازانی است که موفق به حضور در جشنواره فیلم فجر نشد. او در نامه‌ای خطاب به دبیر جشنواره فیلم فجر باز هم نسبت به انتخاب‌نشدن فیلمش برای حضور در این رویداد انتقاد و ادعا کرد که «اطمینان دارم که این حذف نه‌تنها سهوا بلکه بر اساس تعمد بوده است». در متن نامه او آمده است:

«همانگونه که مستحضرید به گفته دبیرخانه جشنواره فیلم فجر، فیلم سینمایی «آستیکمات» رای لازم جهت ورود به بخش مسابقه جشنواره را کسب نمود و از این رقابت بازماند. شما فیلم را دیده‌اید و درباره کیفیت آن آگاه هستید. برخی سینماگران، منتقدان و اهالی رسانه نیز فیلم را دیده‌اند و قبل از شروع جشنواره، متعجب درباره دلایل عدم حضور فیلم در جشنواره از شما سؤال پرسیدند و شما تنها به این مسئله که «آستیکمات» واقعا فیلم خوبی است ولی رای لازم برای حضور در جشنواره را نداشتند» اشاره کردید. قبل از شروع جشنواره به احترام فیلم‌های پذیرفته‌شده و رعایت اخلاق سعی کردم از پرداختن به این موضوع و شنیده‌های پیرامون فیلم اجتناب کنم.

همچنین شخشا برای شما و تلاش‌هایتان در بهبود فضای حاکم بر سینمای ایران احترام قائل هستم ولی اجازه دهید کمی شفاف صحبت کنیم: واقعا در هیئت انتخاب جشنواره بر- فیلم «آستیکمات» چه گذشته است؟

اگر واقعا به گفته شما فیلم دچار سوء-تفاهم محتوایی و ممیزی نشده پس چه اتفاقی در هیئت انتخاب رخ داده است؟ فیلم «آستیکمات» (که متناقض از پنج تا بدون رای عنوان می‌شود/ ولی آخرین‌بار متوجه شدم دو رای توسط آقایان احمد امینی و مجید رضابالا داشته است) تحت چه فرایندی در هیئت انتخاب رای لازم جهت ورود به بخش مسابقه را نمی‌آورد؟! ذائقه یا فهم برخی از اعضای هیئت انتخاب چگونه بوده است که به‌راحتی دست به حذف این فیلم بزنند؟! کدام سازمان یا ارگانی بر روی تصمیم برخی از اعضای هیئت انتخاب تأثیر داشته‌اند؟

هنر

اعتراض‌ها همچنان ادامه دارد



شاید برخی تصور کردند با مهندسی آرا، فیلمی را حذف می‌کنند و سازندگانش هم سکوت خواهند کرد؟ و شاید دلیل نخنما و پوسیده سلیقه شخصی را مطرح کنند که اگر این چنین باشد تا ابد و بی‌نهایت می‌تواند این بحث بین ما ادامه داشته باشد.

شما آگاهید و من هم می‌دانم که در حذف فیلم «آستیکمات» حتی یک درصد هم نمی‌تواند بحث سلیقه و کیفیت مطرح باشد جز بررسی و آسیب‌شناسی سواد، درک و تأثیرپذیری آرای افراد مؤثر در این عدم انتخاب.

برخی نیست نگاهی به نقدها و انعکاس نظرات منتقدان و رسانه‌ها درباره فیلم‌های پذیرفته‌شده داشته باشید تا شاید در جریان معیار و نحوه انتخاب «غیرکیفی برخی از فیلم‌ها» قرار گیرید.

ویک سؤال خیلی مهم‌تر، چه کسی به برخی از اعضا اجازه داده است که در اظهارنظرهای شخصی درباره کیفیت فیلم‌های حذف‌شده، فراقتنی کنند؟ جایگاه و سطح واقعی این افراد در سینمای ایران کجاست؟! این حجم از بی‌اخلاقی سینمای مستقل از کجا ناشی می‌شود؟!

پس نقش دبیر جشنواره در مدیریت و اصلاح تصمیم‌های عقب‌مانده و اشتباه چه می‌شود؟ چه کسی قرار است مسئولیت این خطا، گچ‌فهمی و بازی با اعتبار و سرمایه بخش خصوصی را بپذیرد؟ هیئت انتخاب؟ دبیر جشنواره و یا رئیس سازمان سینمایی؟!

من اطمینان دارم که این حذف نه‌تنها سهوا بلکه بر اساس تعمد بوده است و بررسی سطحی هم گویای این واقعیت است. حذف این فیلم بزنند؟! جناب آقای داروغه‌زاده: من از این به‌بعد قصد هیچ مصلحت‌اندیشی حتی برای حفظ منافع

یادداشت هنر

مغزهای کوچک زنگ‌زده

تلخ ولی امیدبخش

علی دین‌ترکمانی

به فرزند است، ولو آنکه فرزند خطایی کرده باشد. مغزهای کوچک زنگ‌زده بسیار تلخ است، چون واقعیت عریان جامعه ما را دست‌کم در برخی از مناطق حاشیه‌ای شهرها به تصویر می‌کشد، اما، امیدبخش هم هست، چراکه به‌جای پاشیدن بدر نفرت به قربانیان اجتماعی فقر و اعتیاد، احساس دوست‌داشتن شاهین و امیر را برمی‌انگیزد که رفاقتشان و رقت قلبشان تحسین‌برانگیز است. همین‌طور موجب احساس همدلی با شیره (خواهر امیر) می‌شود که به‌خاطر نالوطی بازی نامزد دوستش، به‌ناحق مَثَم به رابطه با پسری می‌شود؛ در نتیجه به دست برادر نوجوانش (شهرروز)، در برابر چشمان برادر بزرگ خانواده (شکور) – رئیس باند توزیع مواد مخدر محله!!- خفه می‌شود. تلخ است چون واقعیت عریان قتل‌های ناموسی در جامعه ما و گشته‌شدن ناجوانمردانه دختران و زنان، به دست پسران و مردان خانواده را به‌خوبی به تصویر می‌کشد، ولی امیدبخش هم هست، چراکه با زنده‌ماندن تصادفی شهره و ارائه دفاعیات او نزد شاهین (یا در دادگاه مذکرسالار)، تلنگری به وجدان جنس مذکر می‌زند که قبل از هر اقدامی باید سخنان دختران را شنید. تلخ است، چراکه از واقعیت عریان زیر ذره‌بین‌بودن روابط دختران با

دیگران؛ چه در محیط اجتماعی و چه در محیط خانواده و مجازات غیرانسانی جنس مؤنث، به دلیل قدرت فیزیکی ضعیف‌ترش، به دست جنس مذکر، پرده برمی‌دارد، ولی امیدبخش هم هست، چون امیدبخش هم هست، چراکه به‌جای پاشیدن بدر نفرت به قربانیان اجتماعی فقر و اعتیاد، احساس دوست‌دداشتن شاهین و امیر را برمی‌انگیزد که رفاقتشان و رقت قلبشان تحسین‌برانگیز است.

امیر) می‌شود که به‌خاطر نالوطی بازی نامزد دوستش، به‌ناحق مَثَم به رابطه با پسری می‌شود؛ در نتیجه به دست برادر نوجوانش (شهرروز)، در برابر چشمان برادر بزرگ خانواده (شکور) – رئیس باند توزیع مواد مخدر محله!!- خفه می‌شود. تلخ است چون واقعیت عریان قتل‌های ناموسی در جامعه ما و گشته‌شدن ناجوانمردانه دختران و زنان، به دست پسران و مردان خانواده را به‌خوبی به تصویر می‌کشد، ولی امیدبخش هم هست، چراکه با زنده‌ماندن تصادفی شهره و ارائه دفاعیات او نزد شاهین (یا در دادگاه مذکرسالار)، تلنگری به وجدان جنس مذکر می‌زند که قبل از هر اقدامی باید سخنان دختران را شنید. تلخ است، چراکه از واقعیت عریان زیر ذره‌بین‌بودن روابط دختران با

بعد از مدت‌ها، دیشب (۱۷ بهمن ۹۶)، در سینما فرهنگ تهران، به تماشای فیلمی نشستم که ذهنم هنوز با سانس‌های مختلف آن درگیر است. بازی



عباس

امیرحسین بهشتی

تا آخر هم اعلام نکردند که قرار نیست داوری نشود. اگر در برنامه هفت یکی از داورها نمی‌گفت، چه کسی این موضوع را می‌فهمید و همه می‌گذاشتند به حساب اینکه «فیلساه» بی‌کیفیت است.»

اعتراض مستندسازان به دبیر جشنواره

از سوی دیگر، مرتضی شعبانی، تهیه‌کننده و رضا فرهنگند، کارگردان مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی»، در نامه‌ای خطاب به دبیر جشنواره فیلم فجر از اینکه فیلمشان با وجود حضور در جشنواره داوری نشده است، نوشتند: «مستندسازان این کشور سال‌هاست به کمبودها و بی‌مهری‌های سازمانی و ساختاری عادت داشته و دارند، تنها به این دلیل که در کشف حقیقت و بازنمایی آن لذتی را تجربه می‌کنند که هرگز با سرخوشی کودکان و جشنواره‌ها قابل قیاس نیست، اما سوءاستفاده از نجابت سینمای مستندد هرگز قابل تحمل نبوده و از این روی این نامه در اعتراض به آنچه در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر به دبیری حضرت‌عالی رخ داد، نوشته شده است.

جناب آقای داروغه‌زاده، لازم است یادآوری کنم تصمیم ورود فیلم‌های مستند و رقابت آنها در بخش سودای سیمرغ، بسیاری از مستندسازان را امیدوار کرد که شاید زحمات آنان این‌گونه دیده شود و لایذ جناب‌عالی به‌عنوان دبیر جشنواره از این تصمیم و دلایل آن مطلع بوده‌اید. اما آنچه داوران محترم در برنامه هفت و روی آنتن زنده شبکه سوم سیما بیان کردند، یکی از تلخ‌ترین لحظات سینمای مستند بود. آنجا که داوران به‌صراحت اعلام کردند دو فیلم مستند راه‌یافته به بخش سودای سیمرغ را اصلا داوری نکرده‌اند! جناب آقای دبیر، آیا سینمای مستند این کشور آن‌قدر یتیم گردیده که حتی هیئت داوران، ورود به داوری آن نداشته و تاسف‌آورتر آنکه در همان برنامه پیشنهاد می‌دهند که خوب است از دو فیلم مستند حاضر در جشنواره تقدیر به عمل آید! آیا این جزئی از سیاست جشنواره بوده است؟ اگر به‌جای این دو فیلم مستند، داوران درباره دو اثر سینمایی چنین تصمیمی گرفته بودند، جناب‌عالی و هنرمندان این‌گونه سکوت اختیار می‌کردید؟ اگر هیئت داوران به صلاح‌دید خود و بدون درنظرگرفتن آیین‌نامه جشنواره اقدام به این عمل نموده، از شما به‌عنوان دبیر جشنواره خواهان بیان شفاف دلیل این موضوع هستیم.

آقای دبیر، ما به‌عنوان عضوی از جامعه سینمای مستند این سرزمین، نگاه هیئت داوران به نمایندگان این سینما را توهین‌آمیز و خلاف آیین‌نامه جشنواره می‌دانیم و از جناب‌عالی می‌خواهیم با شفافیت و صراحت این موضوع را بررسی و نتایج آن را به جامعه سینمای مستند اعلام فرمایید.»

زیر آسمان فیروزهای

این روزهای تئاتر پایتخت

از فتوحات گلشیری تا باشیده

● **گروه هنر:** این روزها نمایش‌های فتوحات گلشیری، نقالی مغولستان خارجی، بخواب در رؤیاهایت، خرده‌جنایت‌های زن‌وشوهری و باشیده

در تالارهای پایتخت اجرا می‌شوند.

«فتوحات گلشیری» در تالار چهارسو

نمایش «فتوحات گلشیری» به کارگردانی یوسف پایری و دراماتوزی مجتبی کریمی از روز چهارشنبه، ۲۵ بهمن، ساعت ۲۰ به مدت‌زمان ۶۰ دقیقه و قیمت بلیت ۲۰ هزار تومان در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود. در نمایش «فتوحات گلشیری» که طبق گفته دست‌اندرکاران این اثر نمایشی، کولازی از جهان داستان‌های کوتاه هوشنگ گلشیری است، عباس جمالی، بهار کاتوزی، فرزانه میدانی و مریم نورمحمدی به‌نوعان بازیگر حضور دارند.

«نقالی مغولستان خارجی» در عمارت روبه‌رو

نمایش «نقالی مغولستان خارجی» به کارگردانی حمزه امامی تا ۳۰ بهمن‌ماه جاری در عمارت روبه‌رو اجرا می‌شود. نمایش «نقالی مغولستان خارجی» به نویسندگی و کارگردانی حمزه امامی که اجرای آن در بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی با استقبال خوب مخاطبان مواجه شد، تا روز ۳۰ بهمن جاری در عمارت روبه‌رو اجرا می‌شود. این نمایش با بازی رومینا نظامی، مریم فراهانی‌پارسا، سارا رستم، بهادر کاویانی‌مرام، بهزاد بارانی و حمزه امامی، بر اساس سه داستان «خانه پدری» اثر چارلز بوکوفسکی، «گفت‌وگوی مرلین منسون با آیدا تجویدی آخرین نسل بازمانده دختران شهزاد قه‌گه‌گو» و «زدوخورد» نوشته حامد شاملو شکل گرفته و در سه اپیزود روی صحنه می‌رود. اپیزود اول و دوم نمایش «مغولستان خارجی» با استفاده از شیوه نقالی اجرا می‌شود و اپیزود سوم این نمایش نیز تئاتر مستند است. این نمایش، هر روز ساعت ۲۰ به مدت ۶۰ دقیقه در عمارت روبه‌رو اجرا می‌شود.

«بخواب در رؤیاهایت» در تئاتر مستقل

نمایش «بخواب در رؤیاهایت» به نویسندگی محمد چرمشیر و همراهی رکسانا مهرافزون به‌عنوان طراح پروژه در تئاتر مستقل تهران اجرا می‌شود. نمایش «بخواب در رؤیاهایت» حاصل کارگاه آموزشی رکسانا مهرافزون در تئاتر مستقل تهران است که ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان بوده. در این کارگاه صدساعته موضوعاتی مانند قه‌نوئوسی، تخیل، تجسم، ترکیب‌بندی، بدن و بیان تدریس شده و متن این نمایش نیز بر اساس مجموعه قصه‌های هنرجویان نوشته شده است. «بخواب در رؤیاهایت» جدیدترین تولید تئاتر مستقل تهران محسوب می‌شود که در تاریخ ۲۸ و ۲۹ بهمن ساعت ۱۹ به صحنه خواهد رفت؛ علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت تیوال مراجعه کنند.

«خرده‌جنایت‌های زن‌وشوهری» در خانه نمایش

نمایش «خرده‌جنایت‌های زن‌وشوهری» با بازی تبسم هاشمی‌حائری و رضا رضضانی در خانه نمایش اداره تئاتر به صحنه رفت. نمایش «خرده‌جنایت‌های زن‌وشوهری» نوشته اربک امانوئل اشمیت و به کارگردانی رضا رضضانی، دوشنبه ۲۳ بهمن، در خانه نمایش اداره تئاتر به صحنه رفت. در خلاصه داستان این نمایش آمده است؛ مرد بر اثر حادثه‌ای مرموز دچار فراموشی شده. زن او را به خانه آورده و سعی می‌کند گذشته را بازسازی کند تا هویت مرد بازگردد، اما در این میان حقایقی هولناک آشکار می‌شود. این نمایش هر روز به‌جز شنبه‌ها، رأس ساعت ۱۸ تا تاریخ ۲۳ اسفندماه ۹۶ روی صحنه خواهد بود. علاقه‌مندان به تماشای آثار نمایشی خانه نمایش می‌توانند به نشانی میدان فردوسی، بعد از خیابان ایران‌شهر، خیابان شهید موسوی (فرصت سابق)، کوچه محمدآقا، پلاک ۳۴ مراجعه کنند.

«باشیده» در پارکینگ عمومی

«باشیده» کاری از گلاره ریحانی و سروش کریمی‌نژاد از ۲۸ بهمن‌ماه در یک پارکینگ عمومی اجرا می‌شود. اجرای «باشیده» با محوریت فرسودگی، از ۲۸ بهمن‌ماه در یک پارکینگ عمومی اجرا می‌شود. این منظر این اجرا که کاری از گلاره ریحانی و سروش کریمی‌نژاد است، فرسودگی امر اجتناب‌ناپذیر انسان معاصر است. فرسودگی در اینجا نه به معنای خستگی، بلکه به معنای ازبین‌رفتن هر امر ممکن است. «باشیده» اثری متعارف نیست و مخاطبش با نمایشی روایتگر روبه‌رو نمی‌شود، این اجرا صرفا تصویرگر وضعیتی مشخص است که در آن مرز فرسودگی و نزدیک‌شدن به بی‌فعلی محض نمایان می‌شود.

گروه «باشیده» تلاش می‌کند در اجرای خود زیستی مشترک با مخاطبان را تجربه کند. اجراگران این اجرا عبارتند از راضیه اعرابی و بابک خارند. این اجرا از ۲۸ بهمن‌ماه و به مدت ۱۰ شب در خیابان ولیعصر، بالاتر از عباس‌آباد، روبه‌روی هتل سیمرغ پذیرای مخاطبان خواهد بود. «باشیده» هر شب رأس ساعت ۲۰ برای علاقه‌مندان به نمایش‌های نامتعارف اجرا می‌شود.